

## یادگار حقیقی امام



## در کلام ولایت

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی پیرامون حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی



## «یادگار حقیقی امام»

در کلام ولایت / بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی  
پیرامون حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی

سازمان بسیج مستضعفین، معاونت تعلیم و تربیت،

مدیریت بصیرت سیاسی و انقلابی

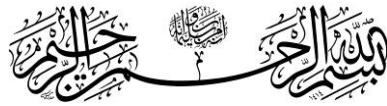
زمستان ۱۳۹۵

[www.safirane57.ir](http://www.safirane57.ir)



## فهرست

۴	شما یادگار عزیز امام(ره) هستید .....
۴	فعالیت دلسوزانه و هوشمندانه و مدیریت همراه با ابتکار .....
۴	یادگار یگانه و عزیز امام فقید و یار و یاور صمیمی و همیشگی آن بزرگوار .....
۵	دارای بصیرت همراه با امانت و مواضع راسخ در مقابله با ترفندهای استکباری .....
۷	ایشان راه امام، خط امام، حرف زبان و دل امام را رعایت کرده‌اند .....
۸	عنصری فرهنگی و معتقد و علاقمند به تلاش‌های اصولی در عرصه‌ی فرهنگ .....
۸	چهره محبوب و آشنای مردم و غمخوار کشور و انقلاب .....
۱۰	مصاحبه پیرامون حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی .....
۱۵	عنصری بارز و صمیمی .....
۱۵	زهد و ساده‌زیستی .....
۱۵	دو دلیل برای ضرورت تجلیل از ایشان؛ یکی به خاطر امام، یکی به خاطر خود او .....



## شما یادگار عزیز امام(ره) هستید

بیانات در دیدار حجت‌الاسلام والمسلمین سید احمد خمینی، ۱۳۶۸/۰۳/۱۵

برای ما و همه‌ی ملت، شما یادگار عزیز امام(ره) هستید. میزان محبت و علاقه‌ی امام به جناب‌عالی را می‌دانیم و از زبان خود ایشان مکرر شنیدیم که می‌گفتند شما را عزیزترین اشخاص می‌دانند. ما هم به خاطر شخص خودتان و به خاطر احترام به روح بزرگ رهبر عزیز و عظیم‌مان، شما را بسیار عزیز و گرامی می‌داریم و یادگار عزیز و یگانه‌ی حضرت امام(رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) به حساب می‌آوریم و از خداوند برای شما صبر آرزو می‌کنیم. این حادثه برای همه، مخصوصاً برای شما و خانواده‌ی بزرگوارتان و خانم والده‌ی مکرمه و سایر خانم‌ها، حقیقتاً مصیبت بزرگی است و نسبت به مصیبت‌های دیگر، سنگین‌تر و بزرگ‌تر است. خداوند ان‌شاءالله به شما صبر و اجر بدهد.

والسّلام علیکم و رحمۀ‌الله و برکاته

## فعالیت دلسوزانه و هوشمندانه و مدیریت همراه با ابتکار

پیام به ملت شریف ایران در تجلیل از امام امت، ۱۳۶۸/۰۳/۱۸

وظیفه‌ی خود می‌دانم، احترام و قدردانی عمیق خود را نسبت به بیت معظم و خاندان جلیل رهبر کبیر و فقیدمان، به‌ویژه یادگار عزیز و محبوب ایشان - جناب حجة‌الاسلام آقای حاج سید احمد خمینی - ابراز دارم. همه‌ی کسانی که به امام عزیزمان عشق و ارادت داشته‌اند، باید بدانند که سلامت و نشاط امام عزیز در طول سال‌های متمادی، مدیون زحمات و تلاش‌های فداکارانه‌ی فرزند گرامی ایشان است و اگر فعالیت دلسوزانه و هوشمندانه و مدیریت همراه با ابتکار ایشان در اداره‌ی محیط کار و زندگی حضرت امام نمی‌بود، شاید ما از مدت‌ها پیش از نعمت وجود و حضور رهبر کبیرمان محروم می‌شدیم. این‌جانب ضمن تشکر و قدردانی فراوان از ایشان و عرض مجدد تسلیم به مناسبت این مصیبت عظیم و این غم جانکاه، از خدای متعال توفیقات روزافزون ایشان را مسألت می‌کنم.

## یادگار یگانه و عزیز امام فقید و یار و یاور صمیمی و همیشگی آن بزرگوار

پیام تشکر از حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی به مناسبت برگزاری مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری، ۱۳۶۸/۰۵/۱۲

بسمه تعالی

جناب حجة‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید احمد خمینی (دامت تأییداته)



مراسم تنفیذ ریاست جمهوری امروز در حسینیه‌ی مطهر جماران که از شکوه معنویت و جلوه‌ی صفا و صمیمیتی ویژه برخوردار بود، این‌جانب را موظف می‌سازد که از جناب‌عالی به عنوان **یادگار یگانه و عزیز امام فقید و یار و یاور صمیمی و همیشگی آن بزرگوار صمیمانه تشکر کنم.**

بیت شریف و کریم آن رهبر و پیر مراد ملت ایران، اکنون نیز مانند همیشه مرکز و ملجأ دل‌ها و عشق‌ها و امیدهاست و همواره چنین خواهد بود ان‌شاءالله.

این‌جانب، جلوه‌های حضور معنوی امام و مقتدای فقیدمان را امروز بوضوح احساس می‌کردم. این توفیق بزرگ، مرهون تلاش خالصانه جناب‌عالی است که شمع آن شبستان محبتید. بار دیگر از شما و دیگر عزیزان آن بیت معظم سپاسگزاری می‌کنم.

سید علی خامنه‌ای - ۶۸/۰۵/۱۲

## **دارای بصیرت همراه با امانت و مواضع راسخ در مقابله با ترفندهای استکباری**

انتصاب حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی به سرپرستی حجاج ایرانی، ۱۳۷۰/۰۱/۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای سید احمد خمینی دام‌بقائه

خدای منان را شکرگزاریم که بار دیگر با عنایات خود، ملت شریف ایران را مشمول تفضلات خاص فرموده و موانع را از سر راه حج ابراهیمی و حضور در میعاد الهی و مردمی خانه‌ی مکرم خود برطرف نموده و دل‌های مشتاق را با دعوت به وعده‌گاه ضیافت خود به اهتزاز آورد. اکنون به فضل الهی و توجهات ولی‌الله‌العظم روحی فداه ملت ایران در آستانه‌ی استیفای حق عظیمی است که سه سال به ناروا از او باز داشته شده بود. باید شک نکرد که روح مطهر امام آزادگان و قائد درست‌اندیشان، آن پایه‌گذار حج ابراهیمی و ولایت و برائت محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله از توفیق کرامت بار ملت ایران و تلاش و مجاهدتی که به این عزت منتهی شد، شاد و راضی است.

این‌جانب با تأسی به آن بزرگوار که جناب‌عالی را با اعتمادی کم‌نظیر از همگنان ممتاز ساخته بود، **با اطمینان و اعتماد کامل به دانش و بصیرت و هوشمندی همراه با امانت و صداقت و کارایی که از آن برخوردار می‌باشید،** شما را به سمت نماینده‌ی خویش و سرپرست حجاج محترم ایران منصوب می‌کنم.

این واجب بزرگ که ذکر خدا و انابه و استغفار در آن با برائت و بی‌زاری از مشرکین و نمایش عظمت و وحدت مسلمین توأم و همراه است، امسال در شرایطی انجام می‌گیرد که مع‌الأسف بخشی از سرزمین‌های اسلامی عربستان و عراق به حضور و تصرف ایادی شرک و کفر و استکبار آلوده شده و با سوء تدبیر و خبائث بعضی از حکام ممالک اسلامی، اختلافات تازه و برادرکشی‌های بی‌سابقه‌ای در میان مسلمین پدید آمده است. این چیزی است که قلب هر مسلمان غیور و معتقد به عزت اسلام و وحدت مسلمین را جریحه‌دار می‌سازد، و حج باید بر دل‌های خسته و مجروح مسلمین مرهم نهاده، راه رشد و صلاح را - که همانا اتحاد و همبستگی ملت‌های مسلمان و عزم



راسخ آنان بر مقابله و مبارزه با اردوگاه استکبار و جهان خواران و غارتگران ثروت‌های مادی و معنوی مسلمین است، به آنان نشان دهد.

حضور جناب عالی که یادگار عزیز و گران قدر امام المجاهدین و خود از شخصیت‌های برجسته‌ی انقلاب اسلامی و دارای مواضع راسخ و روشن در مقابله با توطئه‌ها و ترفندهای استکباری می‌باشید، به حجاج کشورهای اسلامی این امکان را خواهد بخشید که سیاست الهی و به حق جمهوری اسلامی را بی‌واسطه از زبان یکی از برگزیدگان این نظام بشنوند و از رهنمود جمهوری اسلامی در حوادث پیچیده‌ی دنیای کنونی و منطقه‌ی اسلامی مطلع شوند.

لازم است جناب عالی کلیه‌ی دستورات حضرت امام خمینی رضوان الله علیه را در احکام صادره به نمایندگان محترم ایشان در حج سال‌های گذشته در مد نظر داشته و با دقت و تمام امکان به آن عمل نمایید و بالخصوص مسلمین را به وحدت کلمه و دفاع از اسلام، و مبارزه با ائمه‌ی کفر و سردمداران ظلم و فساد جهانی و متجاوزین به حقوق کشورها و ملت‌های ضعیف و دست‌نشانندگان آنان توصیه کنید و از وقایع ظالمانه و خونینی که در فلسطین و عراق و لبنان می‌گذرد آنان را آگاه سازید. همچنین ضروری است که در هر فرصتی همه‌ی حجاج و بالخصوص حجاج عزیز ایران را به ذکر و خشوع و تضرع و تقویت علیه‌های معنوی و رابطه با حضرت باری تعالی و تقدس متذکر فرمایید.

اکنون در آستانه‌ی فصل مبارک حج، یاد شهیدان مظلوم و کبوتران خونین بال حریم امن الهی، که داغ آنان از دل زدوده نشده و نخواهد شد، دل را می‌گدازد و اشک بر دیده جاری می‌سازد. امید است که حج ناتمام آن مظلومان به لطف خدای عزیز و قدیر به کمال و تمام حج همه‌ی مسلمین بینجامد و خون به ناحق ریخته‌ی آنان، تقاص همه‌ی خون‌های به ناحق ریخته‌ی جهان اسلام را در پی داشته باشد.

لازم می‌دانم از جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای کربوبی، رئیس محترم مجلس شورای اسلامی که با توجه به مسؤولیت سنگین خود در کشور امکان ادای این مسؤولیت را نداشتند به خاطر زحمات بی‌دریغ در حج سال‌های گذشته تشکر کنم. و توفیق جناب عالی و کسانی را که در این امر خطیر همکار و دستیار شما خواهند بود از خداوند مسألت نمایم.

والسلام علیکم و رحمه الله

بیستم ماه رمضان ۱۴۱۱

برابر با هفدهم فروردین ماه ۱۳۷۰

علی حسینی خامنه‌ای

### موافقت با استعفا از سرپرستی حجاج ایرانی

موافقت با استعفای حاج سید احمد خمینی از سرپرستی حجاج ایرانی، ۱۳۷۰/۰۱/۲۵

متن نامه حجت‌الاسلام والمسلمین سیداحمد خمینی به این شرح است:



بسمه تعالی

حضور محترم رهبر بزرگوار انقلاب حضرت آیت الله آقای خامنه‌ای دامت برکاته با عرض سلام و تحیت خدای را شکر می‌کنم که مورد لطف و محبت آن عزیز قرار گرفتم و من را به نمایندگی خود و خدمتگزاری حجاج بیت‌الله‌الحرام منصوب فرمودند. پس از صدور حکم با کمال شوق، کار را دنبال نمودم و پیشرفت‌هایی هم در بعضی زمینه‌ها حاصل شد. ولی امروز در ملاقات با مادر بزرگوارم با مساله‌ای مواجه شدم که تنها فرد را رهبر عزیزم دانستم تا موضوع را با او در میان بگذارم چرا که جنابعالی همیشه نسبت به خانواده حضرت امام قدس سره محبت داشته‌اید. والدی مریضم به جد دستور فرمودند تا از این سفر منصرف شده و در کنارشان باشم. از آن حضرت درخواست می‌کنم در صورتی که اجازه فرماید خواست والدی مکرمه را بر مسئولیت جدید مقدم دارم و از این سفر روحانی و خدمت موردعلاقه‌ام به خاطر مادر رنج‌دیده‌ام چشم‌پوشم. البته خود را موظف می‌دانم تا همیشه در خدمت انقلاب و اسلام و رهبری معظم باشم. خداوند به جنابعالی طول عمر بابرکت مرحمت فرماید.

احمد خمینی

۲۳ فروردین ۷۰

متن پاسخ مقام معظم رهبری به این شرح است:

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای حاج سید احمد خمینی دامت بقائه از پیشامدی که منجر به بروز مشکل برای جنابعالی در تصدی مسئولیت حج گردید متأسف شدم. بالخصوص با توجه به اهمیت حج و ضیق وقت که مستلزم تلاش مضاعف و اعمال فوریت در ترتیب مقدمات این فریضه‌ی بزرگ الهی است. لیکن از آنجاکه رعایت حال همسر مکرمه‌ی حضرت امام قدس الله نفسه الزکیه را لازم و مشارالیه‌ها را داری حق عظیمی نسبت به خود و همه‌ی مخلصان آن عزیز راحل می‌شمارم با استعفای جنابعالی موافقت می‌نمایم.

سیدعلی خامنه‌ای

۲۵ فروردین ۷۰

### ایشان راه امام، خط امام، حرف زبان و دل امام را رعایت کرده‌اند

بیانات در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، ۱۳۷۰/۰۳/۱۴

این فرزند اهل و صالح آن بزرگوار، دارای سه خصوصیت هستند که هریک از این سه خصوصیت، بسیار ارزشمند و قابل تکریم است: اول این‌که امام بزرگوار از ایشان راضی بودند و به ایشان با همه‌ی وجود محبت داشتند و ایشان را عزیز می‌داشتند. دوم این‌که چندساله‌ی اخیر عمر بابرکت امام، مرهون زحمات و خدمات و پرستاری‌ها و محبت‌ها و مراقبت‌های ایشان از آن بزرگوار است. در این فضیلت، هیچ‌کس با ایشان شریک نیست. سوم این‌که این فرزند اهل و صالح، از لحظه‌ی درگذشت آن راحل عظیم‌الشان تا امروز، همواره در مواضع صحیح عملی و انقلابی،



پشتیبان مسئولان نظام و یک عنصر مؤثر و مفید بوده‌اند و ان‌شاء‌الله همواره خواهند بود. ایشان راه امام، خط امام، حرف زبان و دل امام را رعایت کرده‌اند و بر مواضع صحیح پای فشرده‌اند. خداوند به ایشان و همه‌ی بازماندگان و همه‌ی فرزندان جسمانی و روحانی و فکری، و به شما ملت ایران - که فرزندان آن عزیز یگانه‌ی زمان هستید - توفیق عنایت کند.

## عنصری فرهنگی و معتقد و علاقمند به تلاش‌های اصولی در عرصه‌ی فرهنگ

انتصاب حجت‌الاسلام حاج سید احمد خمینی به عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۱/۰۹/۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سیداحمد خمینی دامت توفیقاته

شورای عالی انقلاب فرهنگی که از موارث و یادگارهای ارزشمند امام راحل بزرگوار (طاب‌ثراه) و یکی از مفیدترین نهادهای عالی‌رتبه‌ی انقلاب است، اکنون در مقطع حساسی از عمر خویش است. سیاست‌گذاری مسائل فرهنگی در آستانه‌ی تدوین برنامه‌ی پنج ساله دوم و بخصوص هدایت حرکت سازمان‌یافته برای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن و نیز ادامه‌ی گسترده‌ی کمی و کیفی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیق از جمله چیزهایی است که شأن و نقش این شورای عالی را حساس‌تر می‌سازد و تقویت آن با نیروهای تازه‌نفس را الزام می‌کند. از این رو جنابعالی را که بحمدالله خود عنصری فرهنگی و معتقد و علاقمند به تلاش‌های اصولی در عرصه‌ی فرهنگ و دارای سوابق روشنی در این عرصه می‌باشید، به عضویت آن شورا منصوب می‌کنم. انتظار از جنابعالی و دیگر اعضاء محترم آن است که فرهنگ انقلاب و تحول فرهنگی را عزیزترین و اصلی‌ترین مطلوب خود دانسته، همه‌ی تصمیم‌گیری‌های آن شورای عالی را با این شاخص انجام دهید.

توفیق همگی را از خداوند متعال خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله

۲۰ آذر ۱۳۷۱

سیدعلی خامنه‌ای

## چهره محبوب و آشنای مردم و غمخوار کشور و انقلاب

پیام تسلیت در پی رحلت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی؛ ۱۳۷۳/۱۲/۲۶

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون

سرانجام پس از هفته‌ای اندوهبار و سرشار از اضطراب و نگرانی، بار سنگین مصیبت فرود آمد و دل امت وفادار، دستخوش طوفان غم و محنت گشت.





یادگار امام و فرزند دل‌بند و عزیزترین کس او، دنیای فانی را وداع گفت و چهره محبوب و آشنای مردم و غمخوار کشور و انقلاب و خدمتگزاری صدیق برای هدف‌های امام عظیم راحل، و اندیشه‌ای روشن و چشمی تیزبین، در خدمت نظام اسلامی، کشور و ملت و دوستان و دوستانان خود را ترک کرد و ایران اسلامی را به عزای خویش نشانید. در دوران پرحادثه انقلاب، مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی یکی از مؤثرترین عناصر در جریانات کلی کشور و انقلاب بود. او برای رهبر کبیر انقلاب فرزندی مهربان و در عین حال، مشاوره‌ی امین و یاری دیرین، و سربازی فداکار، و مدیری گوش‌به‌فرمان، و کارگزاری لایق و کارآمد بود. امام بزرگ ما بارها محبت پرشور و اعتماد عمیق و تحسین قلبی خود نسبت به این فرزند خاضع و مطیع خود را بر زبان آورده بود و نزدیک‌ترین‌ها، گواهی صادق آن‌چنان پدری را، در حق پسر یگانه‌اش، از آن زبان پرهیزکار شنیده بودند.

در طول سال‌های انقلاب چه بسیار گره‌ها، که به دست او گشوده شد و چه بسیار کارهای بزرگ که به تدبیر او انجام گشت. از این‌ها برتر نقش این عنصر پرتلاش و پرتوان در حراست عاشقانه از سلامتی جسمی و آرامش خاطر امام بزرگوار بود. بی‌شک سلامت و توان جسمی و قدرت کاری آن قائد عظیم‌الشأن در دوران پرمخاطره ده‌ساله، با وجود کهولت سنی و بیماری قلبی، در میان عوامل و اسباب عادی از همه بیشتر به ابتکار و مراقبت و پیگیری دلسوزانه این فرزند مهربان، وابسته بود. ملت ایران از این بابت بسی مدیون این عزیز فقید است.

تاریخچه خدمات ارزنده آن مرحوم به دوران پس از پیروزی منحصر نمی‌شود. نقش ایشان در دوران مبارزات ملت ایران نیز برجسته و فراموش‌نشده است، و هر چه زمان به مقطع پیروزی انقلاب اسلامی نزدیک‌تر می‌شود این نقش و سهم صاحب آن، بزرگ‌تر و روشن‌تر می‌گردد. و چون فاصله زمانی، میان فقدان فاجعه‌آمیز مرحوم آیت‌الله حاج‌سیدمصطفی خمینی فرزند بزرگ و نام‌آور امام، و روزهای بازگشت رهبر کبیر انقلاب به کشور فرامی‌رسد، نقش مرحوم حاج‌سیداحمد آقا در قضایای انقلاب، وضعی استثنایی و منحصر به فرد می‌یابد.

بی‌شک در آخرین ماه‌های دوران نهضت، هیچ‌کس در رابطه با امام بزرگوار نقشی تا بدین حد بزرگ و مؤثر از خود بروز ن داده است. تلاش بی‌وقفه و پروانه‌وار ایشان در کنار مشعل فروزان وجود امام عزیز رضوان‌الله علیه، بسی برکات را منشأ گشته و بسی دشوارها را آسان نموده است.

اکنون این یادگار امام از میان ما رفته و ما را در فقدان خود، مهموم و مغموم بجا گذاشته است. شکوه این غم جانکاه را به پیشگاه صاحب و مولای خود حضرت بقیه‌الله‌اعظم می‌بریم. و از او دعا برای صبر و تسلی می‌طلبیم و در عین حال نخستین تسلیت را هم به او می‌گوییم.

تسلیت بعدی به مادر داغدار و محنت‌کشیده‌ای است که بار سنگین مصائب بزرگ بر دل او سنگینی می‌کند، و نیز همسر گرامی و فداکار ایشان و به خانواده معظم و بیت معزز حضرت امام راحل، به‌ویژه فرزندان گرامی این عزیز و بالاخص به یادگار برومندش جناب حجت‌الاسلام حاج‌سیدحسن خمینی و نیز به عموی بزرگوارشان جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای پسندیده و دیگر خاندان‌های وابسته و به همه ملت بزرگ ایران و به همه مسلمانان جهان تسلیت می‌گوییم.



خداوند روح آن مرحوم را مشحون از رحمت و فضل خود قرار دهد و او را با اولیائش محشور فرماید. آمین رب العالمین.

جمعه - بیست و ششم اسفندماه ۱۳۷۳

سیدعلی خامنه‌ای

### مصاحبه پیرامون حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی

بیانات رهبر معظم انقلاب در مصاحبه حجت‌الاسلام مسیح بروجردی، ۱۳۷۴/۰۳/۱۱

این گفتگو در تاریخ ۱۳۷۴/۰۳/۱۱ و توسط حجت‌الاسلام مسیح بروجردی نوه حضرت امام خمینی(ره) صورت گرفته است.

#### \* بسم الله الرحمن الرحيم. لطفاً از سابقه‌ی آشنایی خودتان با حاج احمد آقا توضیحاتی بفرمایید؟

بسم الله الرحمن الرحيم. ابتدا که من ایشان را دیدم، حدود سال چهل و یک بود که ما به منزل امام در قم، زیاد رفت و آمد می‌کردیم. ایشان ظاهراً در آن ایام به دبیرستان می‌رفتند. من ایشان را می‌دیدم که با دوچرخه از در اندرونی بیت رفت و آمد می‌کردند. البته ما از در بیرونی رفت و آمد می‌کردیم. من اوّل ایشان را نمی‌شناختم. بعد گفتند آقازاده‌ی امام‌اند. بعد از آن دیگر ایشان را ندیدم. در جریانات سال چهل و دو، من هیچ از ایشان یادم نیست و خبر ندارم که چه می‌کردند و کجا بودند. تا این‌که گمان می‌کنم در سال چهل و چهار یا چهل و پنج شنیدم ایشان طلبه‌ی خوبی شده‌اند و بسیار جدّی مشغول تحصیل‌اند. گفته می‌شد که امام در آن ایام به ایشان فرموده‌اند که اگر شما می‌خواهی به دانشگاه بروی، هزینه‌هایت به عهده خودت است؛ اما اگر طلبه بشوی من شهریّه‌ای به تو می‌دهم. یعنی امام به این وسیله تشویق می‌کردند که ایشان به سمت طلبگی بروند. بعدها کم‌کم آشنایی ما با ایشان بیشتر و از نزدیک شد. من حتّی یک بار به منزل ایشان در قم رفتم که آن روزها در کوچه‌ای، عمود بر خیابان بیمارستان و موازی با صفائیه واقع شده بود. نام آن کوچه را نمی‌دانم؛ ولی بالای شهر قم محسوب می‌شد و جای خوبی بود.

زمانی که ایشان تازه ازدواج کرده بودند، من در سفری از مشهد به قم آمده بودم و گفتم بروم فرزند امام را ببینم. به دیدار ایشان رفتم و از نزدیک با هم آشنا شدیم. این، اوایل آشنایی ماست. بعداً که ایشان به نجف رفتند و از نجف به قم برگشتند، یک بار ایشان را گرفتند و به زندان انداختند. وقتی از زندان آزاد شدند. -تفاقی من در تهران بودم- برای دیدنشان به منزل مرحوم آقای ثقفی رفتم. ایشان در آنجا وارد بودند و جماعتی هم از دوستان آمده بودند.

بعد ایشان در بعضی از کارها -مثل کارهای مربوط به مبارزه- با ما ارتباط پیدا کردند. مثلاً چند مورد از اعلامیه‌هایی که از نجف آمده بود، ایشان لای جلد کتاب جاسازی و صحافی می‌کردند و برای من به مشهد می‌فرستادند. بنابراین، ارتباط ایشان با ما، هم در زمینه‌های مربوط به مبارزه و هم در بعضی زمینه‌های روشنفکری بود. مثلاً ایشان برای چاپ کتاب «روشنفکران» آل احمد که تازه درآمده بود و دستگاه نمی‌گذاشت چاپ شود، اقدام کردند. این‌که در این زمینه با چه اشخاصی در ارتباط بودند، درست یادم نیست. بعد ایشان برای این‌که از جهات گوناگون اطمینان پیدا



کند، یک نسخه برای من فرستادند و من نظراتی دادم. به‌هرحال، ارتباطاتی از این نوع داشتیم، تا وقتی که زمان پیروزی انقلاب شد. سوابق آشنایی ما با ایشان این‌هاست.

### **\* جمع‌بندی و برداشت کلی حضرت عالی از شخصیت و خصوصیات ایشان چیست؟**

حاج احمد آقا عنصر قابل و لایقی بودند. اولاً ایشان خیلی باهوش بودند. به نظر من در بین خصوصیات ذاتی و صفاتی که در یک انسان، برجسته است، اگر بخواهیم یکی را برای حاج احمد آقا از همه برجسته‌تر حساب کنیم، آن هوش ایشان بود. بسیار مرد باهوش و تیز و زیرکی بودند. بعضی از صفات خوب امام را هم من در ایشان دیدم. مثلاً آدم بی‌رودربایستی‌ای بودند. امام نیز همین‌گونه بودند. مرحوم حاج آقا مصطفی نیز همین‌گونه بودند. من با ایشان هم از نزدیک معاشرت و رفاقت داشتم. جاهایی که لازم بود اصلاً هیچ رودربایستی نداشتند. ایشان یک حالت صراحت خوبی را البته در مواردی -نمی‌گویم در همه‌جا- داشتند که تعبیر درستش همان رودربایستی نداشتن است. ایشان مرد عاقلی محسوب می‌شدند. به شدت به امام عشق می‌ورزیدند و علاقه‌مند ایشان بودند. علاوه بر این، از بُن دندان به این انقلاب اعتقاد داشتند و برای همین هم بود که آن هوش سرشار در خدمت انقلاب و امام به کار می‌رفت. اصل برای ایشان، همین‌ها بود. من بعداً دیدم در وصیت‌نامه‌شان هم همین را تصریح کرده‌اند. این راست است. این را من خودم دیدم که برای ایشان در درجه‌ی اول، امام و انقلاب مطرح بود. رفاقت‌ها، دوستی‌ها، جبهه‌ها، باندها و گروه‌ها، هیچ مطرح نبود. این، جهات بسیار خوبی بود که ایشان داشتند. علاوه بر این، ایشان هم در قم و هم در نجف درس خوانده بودند. من از خصوصیات و میزان معلومات ایشان مطلع نیستم. علت هم این است که در این چند سال بعد از انقلاب که ما با ایشان ارتباطات کاری مختلفی داشتیم، بحث علمی مطرح نشد تا من بتوانم بفهمم ایشان در چه حدی بودند. اما میدانم که ایشان درس خوانده بودند. خیال می‌کنم خود ایشان یک وقت به من گفتند که من در نجف «مکاسب» درس می‌گفتم. خوب؛ این یک سطح علمی خوبی است. به‌هرحال ایشان شخصیت ارزنده‌ای بودند. انصافاً شخصیت مفید و باارزشی بودند.

آن نکته‌ای که شما اشاره کردید، شاید الآن جایش باشد بگویم. من در پیام تسلیت ایشان هم نوشتم. ایشان واقعاً در کنار امام عنصری لازم و بی‌بدیل بودند. هیچ‌کس دیگر در کنار امام نمی‌توانست این نقش را ایفا کند؛ به خاطر این که خبر دادن به امام، کار آسانی نبود. گاهی خبر تلخی بود که کسی باید به امام می‌داد. نه فقط خبرهایی مانند مرگ و میر؛ بلکه حوادثی بود، اشکالاتی بود در دولت، در مسئولان و در اشخاص که باید یک نفر به امام منتقل می‌کرد. همه کس نمی‌توانست این کار را بکند؛ چون ممکن بود بعضی منتقل کنند؛ بعد امام ندانند که این‌ها خودشان جزو چه گروه و باندهی هستند و این خبر چقدر اتقان دارد. فردی باید این کار را انجام می‌داد که به امام نزدیک می‌بود و این فرد حاج احمد آقا بودند.

ایشان، هم در انتقال خبرها و هم در انتقال نظرات امام به بیرون - چه به بنده و دو سه نفر دیگر که مسئولان سطح بالای نظام بودیم و چه به مردم یا بعضی دیگر از مسئولان - تبخّر خاصی داشتند و نظرات امام را خوب منعکس می‌کردند. همچنین در موارد متعددی به امام مشورت می‌دادند. امام هم آدمی نبودند که تحت تأثیر عواطف قرار



گیرند و مسئله‌ی پدر و فرزندی تأثیر ناروایی در ایشان داشته باشد. از مشورت حاج احمد آقا استفاده‌ی بهینه را می‌کردند. یعنی چنین نبود که هر چه حاج احمد آقا می‌گویند، گوش کنند؛ بلکه مواردی اتفاق افتاد که امام نظری داشتند و شاید خود ما هم خیال می‌کردیم این نظر را حاج احمد آقا به ایشان منعکس کرده‌اند. بعد خدای متعال مسائل را طوری پیش می‌آورد که می‌فهمیدیم نظر امام در این مورد چیزی دیگر است و نظر حاج احمد آقا به جز این بوده است. حتی در یک مورد، نظری از قول امام برای من نقل شد. من، هم تعجب کردم که چطور امام این نظر را باید بدهند و هم آن را قبول نداشتیم؛ ولی هم حاج احمد آقا و هم آقای هاشمی بر آن نظر مُصَرِّح بودند و چون به عنوان نظر امام نقل شده بود، جلسه‌ای برگزار کردیم که تصمیم‌گیری کنیم. امر بسیار مهمی بود. من گفتم باید خدمت امام برویم و ببینیم ایشان چه می‌گویند. چون احتمال دادم شاید بعضی از حواشی و واقعیات را امام درست ندانند. خدمت امام رفتیم و آن‌جا بعد از آن که حرف‌ها مطرح شد، من دیدم امام به همان نظری که بنده داشتم گرایش پیدا کردند. در آن لحظه فوری این مطلب به ذهن رسید که پس چگونه حاج احمد آقا از امام چیز دیگری نقل کردند؟ حاج احمد آقا ملتفت شدند که این‌جا، جای توجّه به چنین گمانی است. فوری جلو همه‌ی ما با امام روبه‌رو کردند و گفتند: آقا! من صبح پیش شما آمدم، شما این‌گونه نگفتید؟ آن‌وقت جزئیات را گفتند. امام تأملی کردند و گفتند: بله؛ همین‌گونه است. یعنی معلوم شد که حاج احمد آقا در معرض این بودند که گاهی در تبدل نظر با رأی امام متبدل شوند. می‌خواهم این را عرض کنم که حرف‌های امام، مشورت‌های حاج احمد آقا نبود. اما از حاج احمد آقا هم استفاده می‌کردند. حاج احمد آقا در موارد متعددی، نظرات پخته‌ی خوبی را به امام منعکس کرده بودند. البته گاهی چیزهایی هم می‌گفتند که امام قبول نمی‌کردند. ما خودمان این را در قضیه‌ی جنگ، در قضایای سیاست خارجی و در موارد متعددی دیگر دیده بودیم که نظر امام یک چیز بود، نظر حاج احمد آقا به کلی چیز دیگری بود.

همان‌طور که گفتم، ایشان مشاوری امین برای امام بودند. امام هم زمانی جمله‌ای با این مضمون گفتند که احمد هیچ چیزی را به من نسبت نمی‌دهد که من نگفته باشم. این گواهی امام بسیار باارزش و مهم است. همین‌گونه هم بود. ما هم تا آن مقداری که دیدیم، همین را حس کردیم.

**\* حضرت عالی اشاره فرمودید که امام بارها به حاج احمد آقا ابراز علاقه کردند؛ آیا ارتباط امام با ایشان از تباطی عاطفی بود؟**

به یاد دارم که امام دو مرتبه گفتند: احمد برای من اعزّ اشخاص است. آقای هاشمی نیز این مطلب را همان وقت در خطبه‌های نماز جمعه نقل کردند؛ چون اتفاقاً هر دو دفعه با هم بودیم که این حرف را از امام شنیدیم. بار اول در سال پنجاه و هشت، به مناسبت جریانی که پسر یکی از آقایان، مشکل عاطفی برای پدرش درست کرده بود، امام سخنی به این مضمون گفتند که هر چند من احمد آقا را بسیار دوست دارم، اما چنانچه او را بگیرند یا بکشند، در باطن قلبم متأثر نمی‌شوم یا تکان نمی‌خورم. حرف عجیبی بود که قوت قلب امام را نشان می‌داد.



بار دوم، همین اواخر بود که ایشان به مناسبتی در خلال صحبت گفتند - رسم امام این بود که حرف‌هایی را که می‌خواستند بزنند، گاهی مستقیم نمی‌گفتند؛ بلکه در خلال صحبت به شکلی وارد می‌کردند - احمد که اعزّ اشخاص در نظر من است، اگر مثلاً چنین کند، با او برخورد می‌کنم. به‌هرحال، اعزّ اشخاص بودند.

#### **\* درباره‌ی نقش مشورتی حاج احمد آقا با مسئولان توضیح بفرمایید.**

آن هم یک مقوله است. شاید می‌دانید که ایشان در چند جلسه شرکت می‌کردند. یکی در جلسه شورای مصلحت بود که به نظرم خود امام فرمودند یا ما از امام خواستیم و ایشان اجابت کردند که حاج احمد آقا در جلسه باشند؛ چون مسئله‌ی تشخیص مصلحت است، بسیار مهم است. یک وقت لازم بود که مثلاً خبرهایی خدمت امام داده شود یا بالعکس. اما مهم‌تر از همه‌ی این جلسات، جلسه‌ی رؤسای سه قوه بود که ایشان مرتب در آن شرکت می‌کردند. جلسه رؤسای سه قوه، اوایل، هفته‌ای دو بار و بعد هفته‌ای یک بار تشکیل می‌شد. بعد در مقطعی من گفتم کارمان زیاد است، دفعات جلسه را زیاد کنیم؛ مجدداً هفته‌ای دو بار برگزار می‌شد. در بعضی از جلسات دیگر مثل شورای عالی دفاع هم گاهی ایشان شرکت می‌کردند. اما جلسه‌ای که ایشان به عنوان عضو شرکت می‌کردند، جلسه‌ی رؤسای سه قوه بود. جلسه‌ی مذکور سیار بود. البته اوایل، هر هفته در دفتر بنده تشکیل می‌شد؛ بعد برای تنوع و این‌که جلسه حالت خشک پیدا نکند، بنا گذاشتیم سیار باشد. هر چند هفته یک شب هم به منزل حاج احمد آقا می‌رفتیم. در آن شب ما این اقبال را داشتیم که خدمت امام هم می‌رسیدیم. همان شبی که منزل حاج احمد آقا می‌رفتیم، امام هم می‌آمدند. حتی آن‌وقتی که ایشان کسالت داشتند و حال نداشتند، آن‌جا آمدند، چند دقیقه‌ای نشستند و رفتند. یعنی آمدن ایشان به یک رسم تبدیل شده بود. در آن جلسه ما درباره‌ی مهم‌ترین موضوعات کشور تبادل نظر می‌کردیم. مطالب مهم بعضی از جلسات آن شورا را من یادداشت می‌کردم. علت هم این بود که گاهی تصمیم‌گیری می‌کردیم، چون کسی یادداشت نمی‌کرد، بعد اختلاف پیدا می‌شد. برای این‌که دقیق باشد، من بنا گذاشتم که یادداشت کنم. اگر کسی به آن یادداشت‌ها - که البته بسیار کم است - مراجعه کند، می‌فهمد چقدر آن جلسه مهم بوده است. در آن‌جا حاج احمد آقا به عنوان یک عنصر خوش‌فکر و باهوش و باتجربه، انصافاً خیلی به درد ما می‌خوردند. وقتی در مسائل مختلف، بخصوص مسائل جهانی بحث می‌شد، ذهنشان باز بود و نظرشان در بین نظرها خوب و پخته می‌نمود و در پیش بردن جلسه‌ی ما تأثیر داشت.

#### **\* جایگاه ایشان در سیستم اداری کشور چگونه بود؟**

واقعاً بسیار سخت است که آدم بخواهد جایی برای ایشان معین کند؛ چون ایشان موقعیتی رسمی نداشتند. من همین قدر می‌توانم بگویم که ایشان شخصیت ممتاز و بی‌بدیلی بودند و واقعاً جایشان خالی شد. ایشان خصوصیتی داشتند که هیچ‌کس دیگر ندارد و نخواهد داشت. واقعاً چنین بود. یعنی ارتباط با امام، نزدیکی به امام، دانستن نظرات امام. ایشان چیزهایی را از امام می‌دانستند و گاهی اوقات می‌گفتند که شاید هیچ‌کس دیگر نمی‌دانست. قدرت بر انتقال نظرات رهبری مثل امام به مسئولین، مسئله‌ی بسیار مهمی است. گاهی اوقات است که مصلحت نیست رهبری در امری اقدام کند؛ لکن خوب است نظرش دانسته شود تا کسانی که می‌خواهند مسائلی را



رعایت کنند، حواسشان باشد که نظر رهبری این است. حاج احمد آقا ناقل امین و باهوشی بودند که دقیق می‌فهمیدند و همان را که نظر شریف امام بود، منعکس می‌کردند. با ما که این‌گونه بودند. ببینید چه نقشی می‌توانستند داشته باشند. موارد متعددی اتفاق افتاد که انسان درباره‌ی انجام امری تصور می‌کرد کار خوبی است و نظر امام نیز همین است. بعد معلوم می‌شد که نه؛ امام نظرشان این نیست. در قضایایی که اواخر عمر شریف ایشان پیش آمد، این‌گونه بود. ما دچار اشتباهی بودیم و خیال می‌کردیم که شاید امام مثلاً ته دلشان نیز همین باشد. بعد معلوم شد که نه، این‌گونه نبوده است؛ ما نمی‌دانستیم. البته در خدمت امام، مکرراً مذاکره شده بود؛ اما انسان، تنها دیدگاه‌های صریح و لبّ نظر امام را می‌دانست. شاید در بعضی از مسائل به شکل دیگری عمل می‌کرد. به‌هرحال، حاج احمد آقا این نقش را داشتند که نظر امام را می‌دانستند و به بیرون منعکس می‌کردند. نه در زمان حیات ایشان و نه بعد از ایشان، هیچ‌کس دیگر حائز این خصوصیات نیست. علاوه بر جهات شخصی و غیر از آنچه که در شخص خود ایشان بود، در وضع و محاذات تاریخی و جغرافیایی و انسانی هم خصوصیات داشتند که مخصوص خودشان بود؛ نسبت نزدیک به امام، قرب جوار با امام، طول زمان معاشرت با امام و آگاهی از مسائل انقلاب. ایشان از اغلب مسائل کشور یک نوع حضور و اطلاعی - هر چند اجمالی - داشتند. البته در بسیاری از مسائل، به‌طور تفصیلی وارد نمی‌شدند. در بعضی موارد آدم پرحوصله‌ای هم نبودند؛ اما فی‌الجمله از بسیاری از امور کشور اطلاع داشتند. به‌هرحال ایشان نقش بی‌بدیلی داشتند. آنچه می‌توانم بگویم این است که جای ایشان را هیچ چیزی پر نمی‌کند.

**\* با توجه به این که می‌فرمایید خود ایشان همیشه نظراتی داشتند، ولی بعد از رحلت امام می‌بینیم از جانب ایشان هیچ مطلبی مخالف نظرات شما اعلام نشده است. لطفاً در این باره توضیح بفرمایید.**

حاج احمد آقا بعد از رحلت امام، در رابطه با مسائل رهبری و بعد هم در درجه‌ی دوم در رابطه با مسائل دولت، موضعی اتخاذ کردند که بسیار تحسین‌برانگیز بود. ایشان انتقادهایی هم به بعضی از امور داشتند؛ اما این انتقادات در مورد مسائل دولت منعکس نمی‌شد یا بسیار کم منعکس می‌شد. در مورد مسائل رهبری هم، نظر ایشان با آنچه که از طرف رهبری ابراز می‌شد، کاملاً موافق اعلام می‌شد و موافق هم بودند.

حاج احمد آقا در برهه‌ی بعد از رحلت امام، یکی از بهترین مواضعی را که ممکن است کسی مثل ایشان داشته باشد، در دفاع از اصول و موازین انقلاب و آن چهره‌ی حقیقی خطّ امام اتخاذ کرده بودند. ایشان واقعاً از جان و دل از آن مواضع و از جمله از رهبری، دفاع می‌کردند. دفاع بسیار جانانه‌ای که ایشان چه از اساس و اصل رهبری و چه از شخص حقیق می‌کردند، در بعضی از روحیه‌هایی که ممکن بود به گونه‌ی دیگری فکر کنند یا احساس دیگری داشته باشند، تأثیرات زیادی داشت. به‌هرحال، موضع بعد از رحلت امام که ایشان اتخاذ کرده بودند، بسیار موضع ارزشمندی بود. من معتقدم یکی از بهترین فصول زندگی ایشان، عندالله، همین فصل اخیر است که ایشان واقعاً راه خدا، راه حق و راه صحیح را متقرباً الی‌الله برگزیده بودند. با این که یقیناً توقعات گوناگونی از ایشان بود؛ همان‌گونه که وسوسه‌هایی هم بود. آدم می‌بیند در اطراف بعضی از افراد، وسوسه‌هایی می‌شود. یقیناً در



اطراف ایشان هم وسوسه‌هایی وجود داشت. در این شکی نیست. لکن ایشان قرص و محکم ایستاده بودند و همان اصولی را که مورد نظر شریف امام رضوان‌الله‌علیه بود، با قاطعیت تمام ابراز می‌کردند.

## عنصری بارز و صمیمی

بیانات در اجتماع زائران مرقد امام خمینی(ره)، ۱۳۷۵/۰۳/۱۴

یاد فرزند گرامی امام، مرحوم آقای «حاج احمد» آقا رضوان‌الله‌تعالی‌علیه را گرامی می‌دارم که در حرکت امام و در راهی که امام بزرگوار رفتند - این عنصر بارز و صمیمی - نقش بسیاری داشت. امیدوارم خداوند، رحمت و مغفرتش را بر این بزرگواران نازل کند و به خانواده محترم امام، لطف و فضل و اجر صابرين عنایت فرماید و ملت ایران را موفق و مؤید بدارد.

## زهد و ساده‌زیستی

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۸/۰۳/۱۴

او [امام خمینی] برای خودش هیچ‌چیز نمی‌خواست. برای تنها پسرش - که عزیزترین انسان‌ها برای امام، مرحوم حاج احمد آقا بود و ما بارها این را از امام شنیده بودیم که می‌فرمود اعزّ اشخاص در نظر من ایشان است - در ده سال آن حکومت و آن زمامداری و رهبری بزرگ، یک خانه نخرید. ما مکرر رفته بودیم و دیده بودیم که عزیزترین کس امام، در آن باغچه‌ای که پشت حسینیه منزل امام بود، داخل دو، سه اتاق زندگی می‌کرد. آن بزرگوار برای خود، زخارف دنیوی و ذخیره و افزون‌طلبی نداشت و نخواست؛ بلکه به‌عکس، هدایای فراوانی برایش می‌آوردند که آن هدایا را در راه خدا می‌داد. آنچه را هم که داشت و متعلق به خود او بود و مربوط به بیت‌المال نبود، برای بیت‌المال مصرف می‌کرد. همان آدمی که حاضر نبود آن روز با ده پانزده میلیون تومان خانه قابل قبولی برای پسرش بخرد - ولو از مال شخصی خودش - صدها میلیون تومان مال شخصی خود را برای نقاط مختلف - برای آبادانی، برای کمک به فقرا، برای رسیدگی به سیل‌زدگان و جاهای مختلف دیگر - صرف می‌کرد.

## دو دلیل برای ضرورت تجلیل از ایشان؛ یکی به خاطر امام، یکی به خاطر خود او

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۱۲/۲۶

تجلیل از این عزیز سفرکرده ما [مرحوم آقای حاج احمد آقا رضوان‌الله‌تعالی‌علیه] از دو نظر برعهده ماست و به عنوان یک فریضه، همیشه وجود دارد: یکی به خاطر امام، یکی به خاطر خود او. اما به خاطر امام: این مرد صبور و پُرکار و بسیار جدی، به معنای حقیقی کلمه، بیشتر عمر مفید خود را در خدمت امام و برای امام و هدف‌های امام گذراند. امام هم قدر این فرزند باکفایت خود را می‌دانستند. حداقل دو مرتبه بنده خودم از امام شنیدم که فرمودند: احمد عزیزترین افراد برای من است. امام از آن آدم‌هایی نبودند که به عنوان یک کار احساساتی و شخصی، بخواهند به نزدیکان خود اظهار علاقه کنند؛ آن جمله را فرمودند که ما هم بگوییم؛



نفرمودند که فقط خود ما بدانیم. در موارد متعددی امام نسبت به حاج احمد آقا اظهار اعتماد کردند. من فراموش نمی‌کنم جلسه بسیار پُرهیجانی را که امام رضوان‌الله‌علیه به‌طور صریح جلوی من و چند نفر دیگر اظهار کردند که به حاج احمد آقا اعتماد کامل دارند. پس به خاطر امام، خوب است که ما همیشه از یادگار فقید امام تجلیل کنیم.

اما به خاطر خود او: او حقیقتاً رنج کشید و تلاش و فعالیت کرد. در آن راهی که تشخیص می‌داد راه انقلاب و راه اسلام و راه مورد نظر امام است، بی‌ملاحظه حرکت کرد و خیلی‌ها را هم با خودش دشمن کرد. بعضی از این دشمنی‌هایی که ولو با نام اسلام و با نام بعضی از دلسوزی‌ها نسبت به مفاهیم زیبا انجام می‌گیرد، دشمنی‌های شخصی است؛ عقده‌هایی است که از شخص این عزیز مظلوم در دل داشتند؛ چون او در مواضع امام متصلب بود و تسلیم نمی‌شد و زیر بار خیلی‌ها نمی‌رفت. کسانی که برای دلخوشی دشمنان انقلاب و اسلام، زبان به هجو و بدگویی از مرحوم آقای حاج احمد آقا باز کردند، این‌ها در واقع پشت سر حاج احمد آقا، از امام و انقلاب عقده دارند. دشمنی شخصی آن‌ها با آن مرحوم به خاطر این است که او به معنای حقیقی کلمه مدافع بود: مدافع امام و انقلاب در زمان حیات امام و بعد از حیات امام. ایشان از ارزش‌ها و اصول دفاع کرد و ایستاد و خلاف انتظار و توقع خیلی‌ها رفتار نمود. خود ایشان در یک سال آخر عمرش، دوسه مرتبه پیش من از بعضی کسان که از او توقعات دیگری داشتند و چیزهای دیگری می‌خواستند، درد دل کرد. پروردگارا! به محمد و آل محمد، رحمت و مغفرت و رضوان خود را بر روح آقای حاج احمد آقا و بر روح امام بزرگوارمان - که منشأ وجود و تربیت او بودند - فرو بریز.

#### منبع:

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی





«حاج احمد آقا در برهه‌ی بعد از رحلت امام، یکی از بهترین مواضعی را که ممکن است کسی مثل ایشان داشته باشد، در دفاع از اصول و موازین انقلاب و آن چهره‌ی حقیقی خطّ امام اتخاذ کرده بودند. ایشان واقعاً از جان و دل از آن مواضع و از جمله از رهبری، دفاع می‌کردند. دفاع بسیار جانانه‌ای که ایشان چه از اساس و اصل رهبری و چه از شخص حقیر می‌کردند، در بعضی از روحیه‌هایی که ممکن بود به گونه‌ی دیگری فکر کنند یا احساس دیگری داشته باشند، تأثیرات زیادی داشت. به‌هرحال، موضع بعد از رحلت امام که ایشان اتخاذ کرده بودند، بسیار موضع ارزشمندی بود. من معتقدم یکی از بهترین فصول زندگی ایشان، عندالله، همین فصل اخیر است که ایشان واقعاً راه خدا، راه حق و راه صحیح را متقرباً الی الله برگزیده بودند.»

بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۴/۰۳/۱۱